

من از آفتاب چه بگویم؟

(مصاحبه با شیخ اسرافیل دمیرتکین)

حضور: لطفاً خودتان را معرفی کنید و بفرمایید در کشورتان چه فعالیتهایی دارید؟

شیخ اسرافیل دمیرتکین: بنده شیخ اسرافیل دمیرتکین اهل ترکیه و مقیم هلند هستم. در هلند مرکز اسلامی به نام مسجد هجرت وجود دارد که اینجانب امام جمعه آن مرکز می‌باشم. امسال نیز برای شرکت در بیست و یکمین سالگرد رحلت امام خمینی به ایران آمده‌ام.

حضور: جنابعالی چند سال در ایران بوده‌اید و سوابق فعالیت‌های علمی و انقلابی دارید. قدری از سوابق و خاطرات گذشته خود در باره امام خمینی و انقلاب اسلامی بیان بفرمایید.

دمیرتکین: بنده در ۱۳ سالگی با اهداف و انقلاب امام آشنایی پیدا کردم، زمانی که در سال ۱۹۷۳ امام در نجف اشرف بودند. در آن زمان حوزه علمیه مخصوص شیعیان در ترکیه نداشتیم. این است که در ۱۳ سالگی وارد حوزه علمیه قم شدم و در همانجا، هم مشغول درس خواندن بودم و هم وقایع و رویدادهای انقلاب اسلامی را پی‌گیری می‌کردم. در دوران انقلاب اسلامی و بعد از پیروزی انقلاب و تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران نیز هفت سال در ایران بودم. بعد از آن شش سال در ترکیه فعالیت می‌کردم و در حال حاضر حدوداً ۲۰ سال است که در هلند هستم. سعی می‌کنم حداقل سالی یکبار به پابوسی آقا امام رضا و زیارت حرم مطهر امام راحل و شهدا بروم.

خاطرات زیادی از امام دارم. امام مثل آفتاب است. از کجای آفتاب ما می‌توانیم صحبت کنیم؟ بنده کوچکتر از آن هستم که سعی کنم در مورد امام صحبت کنم. امام واقعاً فرستاده خدا بود. او نه فقط امید ایرانیان بلکه امید تمام اسلام و تمام آزادی‌طلبان بود. امام راحل اخلاقش، کردارش، رفتارش طوری بود که نظیر نداشت. مثلاً اوایل انقلاب پیاده راه می‌رفت یا با ماشین پیکان، آن هم خودشان جلو می‌نشستند. بنده در روز شهادت شهید آیت‌الله مطهری همراه سایرین، همگی از قم خارج شدیم. ما، در منطقه نیروگاه قم می‌نشستیم. وقتی از بیابان داشتیم می‌آمدیم، در راه جوانی در طبقه دوم ساختمانی داشت بنایی می‌کرد. ناگهان با صدای بلند گفت: "امام آمد"، بعد خودش را از آنجا پرت کرد پائین. من به پشت سرم که برگشتم دیدم ماشین امام دارد می‌آید. دویدیم به سمت ماشین. جوان دیگری خودش را انداخت جلوی ماشین و ماشین ایستاد. ما رفتیم خودمان را چسباندیم به شیشه. امام شیشه را پایین آورد و ما زیارتش کردیم.

همین طور زمانی که در قم بودم واقعاً واهمه‌ای بود، وحشتی بود، ترور در کار بود. باز هم ایشان هیچگونه هراسی نداشت، بدون هیچ حفاظتی می‌آمد و با مردم ملاقات می‌کرد و این اخلاص ایشان بود.

یک نمونه از مردم داری امام را خدمتتان عرض کنم. فرزند امام آیت‌الله مصطفی خمینی که مجتهد هم بود ازدواج کرده بود. خانه برایش تنگ بود. بازارهای اهل قم آمدند گفتند حاج آقا اگر اجازه بفرمایید ما می‌خواهیم یک خانه برای شما بخریم. ایشان فرمودند چون من پیرو پدرم هستم از ایشان اجازه می‌گیرم. آمدند در مجلس از امام اجازه بگیرند. آنهایی که در مجلس بودند گفتند امام نشسته بود و با شنیدن این موضوع با حالت عصبانیت گفتند: "مصطفی بدان که اگر بدانم یک نفر در ایران بی‌خانمان باشد تا آن روز به تو اجازه خانه دار شدن نخواهم داد".

در دوران انقلاب در یکی از زمستان‌هایی که ما ایران بودیم شاه برای اینکه مردم را به زانو درآورد و نسبت به امام بدبین کند دستور داده بود به مردم نفت ندهند. ایران هم که تماماً نفت و گاز است. مردم بدون سوخت در سرما ماندند و امام که در خارج به سر می‌بردند از این مسئله اطلاع یافت نتیجتاً فرمودند: "از امروز تمام بخاری‌ها را باید خاموش کنید چون ملت من در سرما



□ در ۱۳ سالگی وارد حوزه علمیه قم شدم و در همانجا، هم مشغول درس خواندن بودم و هم وقایع و رویدادهای انقلاب اسلامی را پی گیری می کردم

□ سعی می کنم حداقل سالی یکبار به پابوسی آقا امام رضا و زیارت حرم مطهر امام راحل و شهدا بروم

هستند و من نمی توانم در گرما باشم". خاطره ای هم از ترکیه دارم: اوایل انقلاب طرفداران آمریکایی تبلیغاتی علیه امام راحل و انقلاب اسلامی کردند. کار به جایی کشید که سعی می کردند امام را از ابعاد مختلف بکوبند. یک تاجیکی که از دوستان بنده است شهرنشین بود و گاهی می رفت به دهکده خودش. او می گفت رفتم به دهکده خودمان و موقع برگشتن منتظر ماشین بودم. قهوه - خانه ای آنجا بود. رفتم قدری آنجا بنشینیم. تلویزیون قهوه خانه، روشن بود و اخبار هم راجع به امام خمینی و ایران صحبت می کرد. آنجا یک نفر حاجی بود که شروع کرد به فحش دادن به امام و کسی هم کاری به کارش نداشت. من گفتم حاجی اولاً تو ایرانی نیستی و صدمه ای هم به شما نرسیده است. ثانیاً ایشان سید است، عالم است، مجتهد است. حیا نمی کنی که فحش می دهی؟ او دید که من از امام حمایت می کنم دوباره فحش داد. دوست ما در همانجا در حضور انظار مردم گفت: مردم اگر آقای خمینی سید است، مجتهد است و به حق است تا هفته آینده باید یک بلایی

بر سر این آقا بیاید. اگر نیامد من قول می‌دهم هفته آینده بیایم اینجا و به امام فحش بدهم. گفت من رفتم ولی پشیمان شدم. گفتم شاید خدا بلا نفرستاد، من چه کار کنم؟ چهار روز بعد کسی خبر آورد که نفرین تو آن حاجی را گرفته و مریض شده است. گفت رفتم دیدم زبانش باد کرده و از دهان افتاده بیرون، نه می‌تواند غذا بخورد و نه می‌تواند صحبت کند. هی به من نگاه می‌کرد و با چشمانش طلب کمک می‌کرد و اشک می‌ریخت. شش ماه تمام آنکارا و استانبول و همه بیمارستان‌ها را رفتند و خوب نشد و بعد از شش ماه مرد. امام کراماتی داشت که الان هم دارد و باعث افتخار تمام جهان اسلام است.

حضور: بازتاب اندیشه امام را در سطح جهان چگونه می‌بینید؟

دمیرتکین: الحمدلله بیشتر از آن چیزی است که ما انتظار داشتیم و خصوصاً قشر جوان - چه مسلمان و چه غیر مسلمان - اندیشه، افکار و اهداف امام را دنبال می‌کنند.

حضور: ظاهراً سلمان رشدی با اتکا به بعضی اشخاص معارض و توهین کننده به اسلام گاهی خودنمایی می‌کند و قرار است به کشور هلند هم بیاید. در وضعیت امروز، فتوای امام خمینی را در باره او چگونه ارزیابی می‌کنید؟

دمیرتکین: یازده روز دیگر آن ملعون را در هلند از طرف چهار ارگان دعوت کرده‌اند تا راجع به حقوق دموکراسی صحبت کند. در حال حاضر بیشتر از امثال ما، جوانان اروپا از طریق اینترنت و تصاویر، قد علم کرده‌اند و با حضور او در هلند ابراز مخالفت می‌کنند و به آن سازمان‌هایی که ایشان را دعوت کرده‌اند ایمیل‌های زیادی فرستادند و امیدوارم وسیله‌ای بشود تا جلوی ورود او را بگیرند. فکر می‌کنم تظاهراتی هم در آنجا وقوع خواهد یافت. فتوای امام بزرگترین صدای آزادی بود، بزرگترین صدای دموکراسی بود، بزرگترین صدای حقوق بشر بود، نه فقط به خاطر توهین به

□ بنده کوچکتر از آن هستیم که سعی کنیم در مورد امام صحبت کنیم. امام واقعاً فرستاده خدا بود

□ امام خمینی، اخلاقش، کردارش، رفتارش طوری بود که نظیر نداشت

دین مبین اسلام بلکه همچنین به خاطر مقابله با توهین به دیانت و مقام انسانیت بود. امام این فتوا را داد و این فقط مال ایشان نبود. در سوره آل عمران، آیه ۶۱ در حادثه مباحله پیامبر می‌فرماید "نبتهل لعنت الله علی الظالمین" یعنی لعنت بر دروغگویان. الان مردم دارند درک می‌کنند که امام آینده بین و دوراندیش بودند.

حضور: توصیه و پیشنهاد شما برای تقریب مذاهب اسلامی و نزدیک شدن شیعه و سنی در جهان اسلام و غیر اسلام و رفع موانعی که در راه وحدت اسلامی وجود دارد چیست؟ چطور می‌توانند با همدیگر اشتراک نظر داشته باشند تا به وحدت برسند و قدرت حقیقی خود را در جهان معاصر باز یابند؟

دمیرتکین: اولاً ما باید یک حقیقت را نادیده نگیریم و آن حقیقت این است که خداوند تبارک و تعالی در قرآن می‌فرماید ما شما را در شکل قوم‌های مختلف خلق کردیم تا همدیگر را بشناسید و بفهمید. انسان‌ها سلیق شان با هم فرق می‌کند. اگر ما دشمن یکدیگر باشیم ممکن است مذهب خود را نجات دهیم ولی در مقابل دین را از دست می‌دهیم. چون در حال حاضر جهان مشکل مذهب ندارد، جهان مشکل دین دارد. بی دین‌ها و بودیسم‌ها، آتایسیم‌ها و امثال آن‌ها هم با دین سر و کار دارند. برای آنها تفاوت نمی‌کند که فردی حنفی، شافعی یا شیعه است. مذهب تشیع

و مذهب تسنن، فروع است. این مسائل، کار علما و اهل فن است. عوام اگر بخواهد که این مشکل را حل کند مانند این است که یک فرد تحصیل نکرده را بیاوریم تیغ جراحی را به دستش بدهیم و بگوییم این مریض را عمل کن. طبعاً به جای معالجه، مقاتله خواهد کرد. انقلاب امام نه تنها از بین بردن شاه و طاغوت بود بلکه انقلاب امام انقلاب تعقل و منطق بود، انقلاب عقیده بود، انقلاب قرآن بود. انقلاب زمین و زمان بود. انقلاب امام از همه ابعاد بود. تا زمان ایشان مسلمانان به جان هم افتاده بودند، شیعه و سنی با هم درگیر بودند و به جایی کشیده بود که خونریزی بین برادران پیش آمده بود. امام رحمت الله علیه فرمودند که ما می توانیم یکجا جمع بشویم. همه عقیده خود را داشته باشند ولی در یک هدف جمع بشویم. در قرآن که ما یکی هستیم، در پیامبر، در قبله، در قیامت، یکی هستیم، اشتراک های زیادی داریم، در این اشتراک ها باید اتحاد کنیم. معنای وحدت این نیست که بعضی از مسلمانان این برداشت را می کنند که وحدت یعنی تو شیعه هستی سنی شو یا تو سنی هستی بیا شیعه شو، نه، یکی از ابعادی که امنیت فراگیر می دهد به جامعه این است که برای عقیده طرف مقابل احترام قائل بشویم. اگر شخصی سنی است با وجود سنی بودن باید برای او احترام قائل بود و اگر شیعه بود با وجود شیعه بودن به آن احترام بگذارند و با هم در مشترکات پیش بروند. الحمدلله در حال حاضر تا حدی در برخی از کشورها پیشرفتهایی در زمینه وحدت حاصل شده است. من یقین دارم هیچ سنی و شیعه ای این اجازه را ندارد بیاید در مسجد برادر دینی خود را که رو به قبله در حال نماز ایستاده بکشد. ملاک مسلمانی دو کلمه شهادتین است. هر کسی تا این دو کلمه را بگوید می شود مسلمان و جانش، مالش، ناموسش، همه چیزش محترم است. صهیونیست ها و حامیان صهیونیست ها به اسم اسلام چیزی را خلق می کنند و اختراع می کنند و عده ای را به جان مردم می اندازند. مثلاً من از یکی وکلای اهل عراق که به ترکیه آمده بود شنیدم که گفت حاج آقا اهل عراق انقدر به مصیبت مبتلا شده اند که باور کردنی نیست. مثلاً فردی با وسیله نقلیه اش در حال رانندگی است، وسیله او را متوقف می کنند که شما باید بازرسی شوید. می آورند به پاسگاه، آقا را می برند برای بازجویی و خودشان بمب را در وسیله اش جاسازی می کنند، بعداً که کارشان تمام شد می گویند آقا ببخشید اشتباه شده بفرمایید. ایشان می آید بدون

□ امام گفتند: مصطفی بدان که اگر بدانم یک نفر در ایران بی خانمان باشد تا آن روز به تو اجازه خانه دار شدن نخواهم داد

اینکه اطلاعی داشته باشد وسیله اش منفجر می شود و خودش و عده ای از مردم از بین می روند. من عقیده ام این است که مسلمان شیعه و سنی برادر دینی خود را نمی کشد و نخواهد کشت، نمی تواند هم بکشد. این کار کار ابرقدرتهاست. این کار را انجام می دهند و گناه را می خواهند بگذارند گردن خود مسلمانان. آنها هر جا که هستند چنین اعمالی را انجام می دهند.

من ۱۷ سال است کاروان حج دارم و مکه می روم. یکی از فتاوی امام این است که فرمود شیعیان حق ندارند در هتل نماز جماعت بخوانید، باید همه نمازها در مسجد الحرام یا مسجد النبی در امامت آنها بروید و نماز بخوانید. آن موقع مسلمانان متفرق بودند. بعد از این فتوا من در عرض این ۱۷ سال هیچ موقع در هتل نماز جماعت اقامه نکردم و این بزرگواری امام و آینده نگری ایشان را نشان می دهد که خواستند مسلمانان را بیدار کنند. اگر ما مسلمانان اهداف امام را درک کنیم مشکل حل خواهد شد ولی اگر اهدافش را درک نکنیم همان اسلام آمریکایی را خواهیم داشت. در برخی از کشورها قرآن بسیار خوب چاپ شده است ولی در کنار آن، مشروب الکلی هم هست. امام این را به ما یاد دادند که قرآن هر چه می گوید گوش بدهید. قرآن می گوید مسلمان باشید، دروغگو نباشید، صادق باشید، به دیگران احترام بگذارید اگر می خواهید احترام ببینید. مثلاً امام در مورد ما (ساکنین اروپا) می فرماید که در اتوبوس هایشان، متروهایشان، وسیله نقلیه شان، بدون بلیط سوار نشوید، حرام است، چرا؟ وقتی که شما را دستگیر کردند نمی گویند مثلاً اسرافیل دستگیر کردند می گویند اسرافیل مسلمان را دستگیر کردند. در اروپا رسم است وقتی که سرباز مسلمان در لبنان به شهادت می رسد به زبان آمریکایی می گویند یک تروریست کشته شد ولی در مورد آنها که با تروریسم بزرگ شده اند و ظلم می کنند و آخرین کارشان هم حمله به کشتی

آزادی بود در هیچ کدام از نشریات و غیره درباره آنها از کلمه تروریست استفاده نمی‌شود. ما هر جا هستیم شیعه و سنی اگر بخواهیم قرآن را اجرا کنیم، بخواهیم دین رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را زنده نگاه داریم اول از خودمان باید شروع کنیم. من اگر ظاهری ژولیده دارم نمی‌توانم بگویم چرا شما مرتب نیستید اول باید خودم را درست بکنم بعد بگویم آقا شما این ایرادت را درست کن.

حضور: با توجه به اینکه امام خمینی، آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را روز قدس اعلام کردند که با استقبال گسترده مسلمانان جهان روبرو شد، آینده فلسطین را چگونه می‌بینید؟

دمیرتکین: امام امت تماماً درسش را از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) گرفته بود. رسول اکرم (ص) در اواخر عمرشان یک شعار را برقرار کردند. آن شعار این بود که شش ماه تمام هر نماز صبح آمدند دستها را دو سوی سر امام علی گذاشتند و گفتند السلام علیکم یا اهل البیت (سلام بر شما ای اهل بیت). با این شعار خواستند که تمام مسلمانان را از خواب بیدار کنند و بگویند که ببینید این‌ها مهم هستند. در بین ماه‌ها نیز ماه رمضان ضیافت الله است و در بین آن ضیافت الله، آخرین جمعه که دیگر کم کم پرونده‌ها امضاء دارند می‌شوند و مردم به اهدافشان می‌رسند یعنی چیزهای حرامی که در وجودشان است خارج می‌کنند و خالصانه و مخلصانه در حضور خداوند باری تعالی عبادت می‌کنند، امام فرمود که آخرین جمعه ماه مبارک رمضان روز قدس است و الحمد لله در همان روز در تمام جهان، مسلمانان و انسان‌های آزادی دوست احساس وظیفه می‌کنند با همان تقویم.

من عقیدم در باره فلسطین این است که انشاءالله ملت فلسطین اگر با قرآن با امام و با عقیده خوب، موافق و متحد باشند مشکلاتشان - هرچند امکان دارد طول بکشد - نهایتاً به طور کامل حل خواهد شد. ولی اگر نه، بخواهند از کاخ سفید و از آمریکا و جاهای دیگر مدد بطلبند تا آخر عمر خدای نکرده دلیل خواهند بود. امام چه فرمود؟ فرمود مسلمانان اگر هر کدام یک سطل آب بریزند

□ امام، کراماتی داشت که الان هم دارد و باعث افتخار تمام جهان اسلام است

اسرائیل را آب می‌برد. اگر مسلمانان همگی این وظیفه را احساس بکنند - امام در اینجا مبالغه نکرده و واقعیت را فرموده است - کار حل می‌شود. اسرائیل الان آن طور که مشخص است خداوند تبارک و تعالی آبرویش را می‌برد و اواخر عمر حیات جنایتکارانه اش را می‌گذراند. ولی فلسطینی‌ها باید هوشیار باشند و در انتخاباتشان سعی کنند افرادی را انتخاب کنند که به درد فلسطین بخورند به درد آمریکا، نه به درد جاهای دیگر. من آینده را روشن می‌بینم و ان شاء الله که اینها به حق و حقوقشان خواهند رسید.

حضور: چنانچه در باره مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام، نظر، پیشنهادی یا انتقادی دارید بیان بفرمایید.

دمیرتکین: امسال ۴۰ یا ۴۲ کشور در مراسم سالگرد شرکت داشتند.

بنده نظرم این است که مسئولین تقسیم وظیفه بکنند، مثلاً از هر منطقه یا کشوری چند نفر آمده، هر کدام از آنها فهرستی از وظایف و فعالیتهای خود را در اختیار داشته باشند. برای حضور در مرقد حضرت امام، در هر اتوبوس ۳۰ یا ۴۰ نفر باشند و فرد مشخصی مسئول آنها باشد. البته اتوبوسها خوب بود و در هر کدام از آنها چند جای خالی اضافی وجود داشت و اتوبوسها همیشه آماده نقل و انتقال مهمانها بودند ولی ترجمه‌ها فقط فارسی و عربی بود. خیلی از کسانی که از بعضی از کشورهای اروپا یا ترکیه آمده بودند چیزی متوجه نمی‌شدند. باید برای هر چند نفری که از یک کشور می‌آیند یک نفر را مسئول بگذارند.

ما باید ارتشی برخوردار کنیم "ما همه سرباز تویم خمینی"؛ نه اینکه یونیفرم سربازی بپوشیم

بلکه از لحاظ عقیدتی سرباز توهستیم. امام برای وقت ارزش قائل بود و سر هر ساعت که کاری را باید انجام می دادند همان کار را انجام می دادند و کار دیگری نمی کردند. شخصی از امام جعفر صادق سؤالی داشت امام فرمودند سریع بگو آن شخص گفت من هم وقت زیاد دارم و هم اینکه کار دیگری ندارم. امام فرمودند شما عجله ندارید ولی من عجله دارم چون این نفسی که خداوند تبارک و تعالی به من داده است تمام لحظاتش را از من سؤال خواهد کرد.

عرض من را به آقایان برسانید، سال دیگر از مناطقی که میهمان دعوت می کنید، افراد خاص، مثلاً بنده در هلند رئیس مجلس شیعه هستم که این مجلس از طرف دولت هلند در سال ۲۰۰۰ به رسمیت شناخته شده و ۳۰۰ هزار نفر تحت کنترل این مرکز هستند یا اینکه مجدداً رئیس مجمع منطقه هلند و بلژیک هستم این هم باز سهمش بزرگتر است چون فقط هلند ۳۰۰ هزار نفر است، حالا بلژیک را هم اضافه کنید. از اینجا عزیزان مسقیماً با بنده یا امثال بنده در تماس باشند و بگویند امسال برای سالگرد ارتحال امام از منطقه شما ۱۰ نفر را در این سطح و اندازه می خواهیم و ما هم متقابلاً می توانیم کمک کنیم.

من پرس و جو کردم در هتل، هر اتاق یک تخته بدون غذا ۱۰۰ هزار تومان است. پنج روز می شود ۵۰۰ هزار تومان. این مبلغ برای جمهوری اسلامی چیزی نیست، می تواند پرداخت کند ولی در مقابل در خود جمهوری اسلامی افرادی هستند که در ماه با ۱۰۰، ۱۵۰ هزار تومان زندگی خود را می چرخانند. این پول ها پول های ایتم است، پول های فقر است، پول های مستضعفین است، پول های حق الناس است، بیت المال است. من آمدم، خوردم، خوابیدم و برگشتم، شما چیزی نمی گوید ولی خدا که خواهد گفت، "فمن يعمل مثقال ذره و شراً یره" من پنج روز را اینطور گذراندم، پنج روز هم آن طرف را از دست دادم. مسلمانان آنجا بدون روحانی ماندند، مشکلاتشان بسته ماند. پس این را باید بسنجیم. نه به عنوان تعطیلات باشد و نه به عنوان وقت گذرانی، بلکه به عنوان اینکه ما می خواهیم اهداف امام را دنبال کنیم باشد. اصلاً من امسال خیلی دلگیر شدم. دلم می خواست خدمت آیت ... خامنه ای می رفتیم و در حضور ایشان با امام تجدید

□ فتوای امام بزرگترین صدای آزادی بود، بزرگترین صدای دموکراسی بود، بزرگترین صدای حقوق بشر بود، نه فقط به خاطر مقابله با توهین به دین مبین اسلام بلکه همچنین به خاطر مقابله با توهین به دیانت و مقابله با توهین به مقام انسانیت بود

بیعت می کردیم. در نماز جمعه این کار را کردیم ولی این عمومی است یک مجلس خصوصی هم باید می داشتیم که ما بیعت می کردیم و می گفتیم که آیت... خامنه‌ای ما سربازان و محبین و مطیعین شما در خارج از کشور هستیم.

ایران مهم است. شما می توانید به غیر از ایران یک کشور را نشان دهید که ۷۰ میلیون جمعیت داشته باشند و مذهب آنها تشیع باشد. ضمناً وقت بیشتری بگذارند. ما، در جماران باید زیاد بمانیم. امام آنجا نفس کشیده، امام آنجا فتوی داده، امام جنگ ۸ ساله را آنجا کنترل کرده و در آنجا به لقاء الله رفته است. باید زمان بیشتری آنجا بمانیم. می شد مهمانها در حسینیه جماران بنشینند و فیلمی از امام آنجا پخش می شد و ترجمه می شد فرضاً من نوعی که برمی گردم به کشورم- آنجا من را سفیر صدا می‌زند- سؤال می‌کنند چه شد؟ چه گفتند؟ جلسات چطور شد؟ چیزی نخواهم گفت، چرا؟ چون همه چیز به زبان عربی و فارسی و انگلیسی بود. روحانیت مشکل ندارد، فارسی بلد نیست ولی عربی را بلد است، ولی دیگران چه؟

من امسال دوستان را مخصوصاً آوردم. امام فرمایشی داشت که سربازان من خردسالانند، جوانانند. امثال همران من در اروپا هستند. امثال ایشان شب و روزشان در دیسکو و کاباره و جاهایی است که نمی‌خواهم به زبان بیاورم، ولی من می‌گویم فردا که من بار سفر را می‌خواهم ببندم جبهه و سنگرم نباید خالی بماند. ما فقط برای یک دوره، پیرو خط امام لازم نداریم، تمام دوره‌ها را باید پر کنیم. اگر در خصوص برنامه‌ها و مسئولین بخش بندی نشود سال آینده باز هم همین مشکل است. مراسم که تمام شد هر کس باید در بخش خود پاسخگو باشد.

حضور: آیا در کشور هلند ما می‌توانیم یک مسابقه مقاله نویسی اینترنتی داشته باشیم؟

دمیرتکین: شما اگر سایتتان را راه بیندازید، توسط اینترنت می‌توانید وارد تمام خانه‌ها شوید حتی خانه آنهایی که مخالف شما هستند. الان حدود ۳۰ سال است که انقلاب اسلامی به پیروزی رسیده است. اولویت با تاسیس سایت امام خمینی است. من یک مژده هم بدهم که در هلند الان یک سایت انجمنی به نام جوانان شیعهٔ مقیم هلند راه افتاده است. ملیت‌های مختلف ترک، فارس، عرب، هلندی الاصل که اکثرشان دکتر، وکیل و افراد تحصیل کرده هستند، اینها الان مشغولند، کتاب آداب نماز را به زبان هلندی ترجمه کرده‌اند. سایت آنها را هم شما داشته باشید. اگر بشود به عنوان خدمتی در ستاد امام من می‌خواهم پیش قدم بشوم. هلند به نسبت تهران کوچک است، نهایتاً ۲۵۰ کیلومتر ولی کشوری پیشرفته است. در کشور هلند از طرف مسلمانان قرآن به زبان هلندی ترجمه نشده است. گروه احمدیه ترجمه کردند و به طور رایگان در خیلی مکان‌ها توزیع کرده‌اند. مثلاً به نام ستاد امام قرآن کریم به زبان هلندی ترجمه شود یا اینکه عقاید شیعه، تاریخ اسلام، چهل حدیث امام و سایر کتابها. چهل حدیث امام خیلی‌ها را واقعاً از خواب بیدار کرده است. اینها ترجمه بشود و به اسم امام خمینی (س) در آنجا توزیع شود.

حضور: به نظر شما تصاویر حضرت امام در فضای سایبری تا چه حد می‌تواند تأثیر گذار باشد؟

دمیرتکین: اگر بتوانید از زندگانی درونی امام، تصاویر خانوادگی و زندگی امام را توزیع کنید بسیار اثرگذار خواهد بود. به عنوان نمونه و مثال عرض می‌کنم، یک نفر تاجر از شهر ما بعد از انقلاب به دیدار امام خمینی آمد. من زمانی رسیدم که ایشان سرش را داشت به دیوار می‌کوبید. گفتم چه شده؟ گفت من اگر دیوانه بشوم حق دارم. گفتم چرا؟ گفت من از اقدیر که خارج شدم تا تهران فکر می‌کردم که خدایا این امام در چه جایی زندگی می‌کند؟ خانه‌اش چطور است؟ با چه

کسانی می‌نشینند؟ ولی من رفتم امام را دیدم یک پتویی زیرش انداخته بود که والله اگر آن پتو را بیاورند در شهر ما بفروشند کسی نمی‌خرد و امام بنده را هم صدا کرد کنار دست خودش نشاند. این رهبر یک کشور است که نظیری برای او وجود ندارد.

ضروری است که ما واقعیت‌های زندگی امام را منعکس کنیم. مثلاً ایشان یک عکسی دارند که با دست خود دارند چای می‌ریزند. این عکس خیلی‌ها را تکان داد. چطور می‌شود یک رهبر، رهبری که پادشاه شاهنشاهی دو هزار و پانصد ساله را از بین برد، چای بریزد. ما باید از این ابعاد، امام را معرفی کنیم، در ضمن بُعد اجتماعی و سیاسی‌اش را هم باید در نظر بگیریم، ولی اول مردم باید امام را بشناسند. خیلی‌ها هنوز ایشان را نمی‌شناسند، حتی خیلی از مسلمانان امام را نمی‌شناسند.

مصاحبه کننده: محمد رضا عبداللهی فرد

